

تحليل مناظره ي:
دكتور باقريور كاشاني و
جناب زئوس



تحليل گر:

استاد اميد

(پژوهشگر فلسفه)

برهان
حدوث عالم!



بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ
الرَّحِیْمِ

«تحلیل مناظره با عنوان: ﴿برهان حدوث عالم/۱﴾

«مناظره‌کنندگان: ﴿دکتر باقرپور کاشانی و جناب زئوس.﴾

«تحلیل‌گر: ﴿استاد امید ﴿پژوهشگر فلسفه﴾


«تاریخ: ۱۴۰۰/۱۲/۲۶

«مکان: مجموعه‌ی به‌سوی ظهور @MAHDISM_12

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سلام و ادب دارم خدمت همه دوستانی که ناظر این کنفرانس هستند.

برای برهان ، دکتر کاشانی متوسل به برهانی در روایات (=حدوث) شدند.

بخشی از حدیث به این مضمون بود :  خدا بود درحالی که هیچ چیز با او نبود.

این حدیث + یک حدیث دیگه می تونه فتح بابی برای دوستان باشه و حقیقتاً مباحث بسیار جالبی می توان از این احادیث بیرون کشید.

((این حدیث شریف منظور است)) : کان الله و لم یکن معه شیء و

الان کما کان!

خدا بود درحالی که هیچ چیز با خدا نبود و همین الانم چنین است.

سؤال:

یعنی الان خدا هست و هیچ چیز دیگری نیست؟؟؟
 آیا ما وجود نیستیم؟؟؟ به تعبیری آیا ما معدوم هستیم؟؟؟
 این سؤالات می‌تواند مقدمه یک تحقیق جالب شود و نتایج قابل
 توجهی رو فهم می‌کنید.

حال قطع نظر از این که بعضی عبارت «و الان کما کان»! را بخشی از
 حدیث نمی‌دانند!

شما قطع نظر از چنین بحثی این کلام رو فرض به صحتش بگذارید
 و یک سری مباحث جالب بیرون بکشید.

((مباحثی حول تقدم رتبی و تشکیک وجود و وحدت وجود «به معنای
 درستش» و..... میتونه ما حاصل فهم این احادیث باشه))

حالا بپردازیم به کلام آقای زئوس فقط در پرانتز یک نکته بگم :
 ((وقتی مناظره رو گوش می‌کردم نقد تک تک کلمات زئوس در ذهنم
 رقاصی می‌کرد!

واقعاً چطور ممکنه انسانی که

صاحب قوه عاقله هم هست بتونه این همه اشتباهات فاحش داشته باشه از طرفی چون هم زیاد مصدع اوقات نشم و هم خودم شرایط مناسبی ندارم فقط بعضی از نقدها به زئوس رو خدمت دوستان عرض خواهم کرد :

تحلیل کنفرانس ما از این مناظره فقط این هست که بی تحلیلی آقای زئوس رو نشان دهیم. اوایل که ایشان شروع به صحبت کردند گفتند که : منطق آقای کاشانی از امام صادق بالاتره از طرفی در مناظره نباید کلام امام یا فلان رو بیاوریم و...!

یعنی واقعاً جناب زئوس نمی توانست بفهمد که باید ماده و محتوای استدلال رو ببینید؟؟؟ یعنی با این پیش فرض که آقای کاشانی دکترا دارند نمی تواند این رو بفهمد که منظور آقای کاشانی «ماقال» بوده است؟؟؟

بدون تعارف عرض می کنم کل این صحبتها از حیث روان شناسی جای بحث داره که چطور روان مخاطبین رو به بازی گرفته است.

آقای زئوس به گونه‌ای خودش را جازد
 که یک شخص «منطقی» هستند.
 (حال شاهد منطق ایشون باشیم) :

زئوس : طویل ، عریض خصوصیات ماده است نه خصوصیات مصنوع!! از یک سری جواب‌هایی که بگذریم؛ به این کلام سطحی (=ببخشید منطقی و ژرف) یک جوابی خواهیم داد. فرض بگیرید : طویل و عریض این مسائل فقط مختص عالم ماده است چه ایرادی به اصل استدلال آقای کاشانی وارد است؟؟؟ این سؤال بازم به مراتب بیشتر سؤال غیرمرتبطی است!

دوستان در این براهین که از «معلول» به «علت» یا در استدلال : از «مصنوع» به «صانع» می‌رسد فقط لازم هست که یک شیء به عنوان «مصنوع و معلول» پذیرفته شود و پذیرش همین هم تا خدا خاتمه پیدا می‌کند. ✓

اگر بجای این سؤال بی‌جا فقط فرض بر این گرفته شود که : «فقط عالم ماده ، مصنوع است» همین کافی است تا به یک واجب الوجود بالذات شود آن هم بخاطر استحاله تسلسل ! که در همین کنفرانس هم آقای زئوس فرض رو بر این گذاشتند که تسلسل محال است. ✓

1)) فقط عالم ماده مصنوع است.

2)) تسلسل محال است.

همین کافی است که بگوئیم : ﴿ یک خدائی وجود دارد به تعبیر فلسفی یک واجب الوجود بالذات، هست (تمام)!
 حال مجدداً این سؤال رو می‌پرسم : آیا آقای زئوس واقعاً نتوانست این جمله رو فهم و تحلیل کنه که این سؤال رو پرسید؟؟ واقعاً فهم ایشون از اصطلاحات فلسفی تا چه اندازه است؟؟

ای اهل فن : ﴿ آیا برای اثبات خدا در براهینی که از «معلول» به «علت» است غیر از این دو مقدمه و فرض ((1 / 2)) به چیز دیگری مثل جواب اون سؤال محتاجیم؟؟

ادعا آقای کاشانی این هست : هرآنچه متغیر است ، حادث است +
 دلیل

حال ببینیم جواب‌های منطقی زئوس به این بیان چیست :
 جواب اول)) این حالات دالّ بر حادث بودن دلیل ما نیست، این که
 نشد استدلال!

جواب دوم زئوس))

زئوس: در کدام غیرحادث دیدید تغییر نیست که با چنین اطمینانی گفتید هر حادثی متغیر است.

((تحلیل من از مناظره‌ی امشب فقط
 نشان دادن بی‌تحلیلی زئوس است ✓ پس با دقت توجه کنید)):



جواب ایشون به استدلال : این که نشد دلیل !!

وجداناً شما به عنوان یک محقق وقتی کسی (آقای کاشانی) دلیلی
 میاره و لو اشتباه باشه و کسی در جواب این ادعا و دلیل فقط
 این جمله رو می‌گوید : «این که نشد استدلال!» کدوم رو بیشتر
 حق می‌دونید؟؟ کدام ادعای مناظره‌کننده‌ها میتونه به واقعیت
 نزدیک‌تر باشه !!

جدیداً «این که نشد استدلال»، «استدلال» است ولی اون صغری
 و کبراها استدلال نیست؟؟؟ شما که دم از استدلال می‌زنید چه
 استدلالی ارائه دادید؟؟؟

بعد از چنین صحبتایی در ادامه گفت : در کدوم غیرحادث دیدید
 تغییر نیست که با چنین اطمینانی گفتید هر حادثی متغیر
 است.

فرض بگیرید آقای کاشانی در «هیچ»

تأکید می‌کنم در هیچ غیرحادثی تغییر ندید، آیا با چنین فرضی به اصل استدلال کاشانی ایرادی وارد است؟؟ بهتر بگوییم با چنین فرضی آیا استدلال آقای کاشانی فلج می‌شود؟؟؟ ((جواب این سؤال از دو حال خارج نیست)):

(1) بله دیدم مثلاً X غیرحادث و متغیر نیست.

(2) نه چنین چیزی ندیدم.

ولی استدلال آقای کاشانی فقط و فقط همین رو نیاز داره که ایشون اقرار کنند: «هر ماده‌ای حادث است» تمام شد. (1) عالم ماده متغیر و حادث است.

(2) فرضم اینه: تسلسل باطله.

همین کافیه که استدلال آقای کاشانی به ساحل بنشیند! ولی بازم بخاطر تحلیل اشتباه شاهد چنین سؤالی بودیم.

یک اشکال معرفت شناختی هم به ایشون وارد کنیم: مگر قراره برای یقین داشتن به گزاره‌ای حتما اون چیز رو «ببینیم»!!

ببینید دوستان من می‌پذیرم که ایشون نگاه ماتریالیسمی داشته باشند ولی به هیچ وجه این رو نمی‌پذیرم که در چنین مناظره‌ای با این پیش‌فرض بخواهند مناظره کنند. مناظره ﴿﴾ اثبات خداست و خدا وجودی است که قابل دیدن نیست یعنی دستگاه معرفتی زئوس این مورد رو شامل نمی‌شود؛ ولی ایشون با این باور خودشون وارد یک مناظره با موضوع اثبات یک وجود فرامادی می‌شوند!

ایشون یا باید در حوزه «معرفت شناختی» بحث کنند یا اگر وارد مباحث «هستی شناختی» می‌شوند مقدمات لازم رو ولو به عنوان فرض بپذیرند.

این مسائل اصول اولیه مناظره است و چقد مغزی می‌تواند با نهایت احترام آکبند باشد که این مسائل رو فهم نکند. یک جایی گفتند: «اگه ازم بپرسید این گل باغچه مصنوعیه یا غیر مصنوع یعنی طبیعیه من به شما پاسخ خواهم داد غیرمصنوع هست طبیعیه!»

آقای کاشانی این جمله رو خودشون
به خوبی نقد کردند پس می‌گذریم. با این حساب پس صرفاً این
کلام عمیق و منطقی رو مجدداً مشاهده کنید.
گاهی اوقات برخی از صحبتا به نحوی است که بهترین نقد بهشون
«سکوت» هست و هر نقدی به اون جمله حقش رو آدا نخواهد
کرد.

در این موضع ما سکوت رو بر ایجاب ترجیح خواهیم داد ((آخرین
نقد ما به آقای زئوس و تمام)) : 🙄 🙄 🙄 زئوس : یعنی چی که
موجودیت ذاتی اون باشه؟ هیچ چیزی وجود نداره که موجودیت
ذاتی وجودش باشه.

بعد از این جمله ((👍👍)) و پذیرش این فرض که «تسلسل محال
است» یک سؤالی پرسیدند که این سؤال از کسی که کوچک‌ترین
تحلیلی داشته باشد، محال است.

(سؤال چیست؟) : چرا باید موجودی باشه که نمی‌تونه وجود نداشته
باشه؟ اگه وجود نداشته باشه چه اتفاقی میفته؟

دوستان یک موجود یا

«واجب الوجود بالذات» است یا «واجب الوجود بالغير» است.

آقای زئوس گفتند هیچ چیز وجود ندارد که وجود ذاتیِ اون باشه یعنی هرآنچه موجود است ، واجب الوجود بالغير است یعنی «معلول» است یعنی بواسطه علتش موجود شده است.

چون خیلی مصرّ بودند این رو بپذیریم و اگر این رو نمی پذیرفتیم بر ضررِ خودش تمام شد ما با کمالِ این ادعا رو می پذیریم که هر آنچه هست بالغير است! حال یک سؤال داریم : شما چطور می توانید هم این رو قبول کنید که «هرآنچه هست معلول است» و هم این رو هم قبول کنید که «تسلسل محال است»!

دوستانی که بلد نیستند تسلسل محال است یعنی محال است که رابطه علت و معلول تا بی نهایت ادامه پیدا کند به تعبیری یعنی : رابطه علت و معلول باید یک جایی متوقف شود.

1) پذیرش موجودِ وابسته به غیر

2) پذیرش تسلسل

همین «دوتا» کافی است که

یک واجب الوجود بالذات اثبات شود هرچند نشان دادیم این یک پارادوکس عجیب بود.

مجدداً سؤال می‌پرسم : آیا این چنین سخنانی در مباحث علمی تحلیلی است؟؟؟

خواهش می‌کنم به اسم فلسفه و منطق با مردم صحبت نکنید. (بیشتر از این مصدع اوقات نمی‌شم فقط جمله آخر و تمام): دیشب وقتی فکر می‌کردم به زئوس در این مناظره چه بگویم یک چیز به ذهنم اومد که شاید تا حدودی حق مطلب رو ادا کنه.

نظر دادن جناب زئوس در حیطه فلسفه و منطق بمانند این هست که شما یک سری اصطلاحات پرت و غیرمرتبط درکنار هم قرار داده باشید و از زئوس خواسته‌اید با این اصطلاحات فلسفی «جمله» بسازد.

من وقتی ایشان می‌گفتند تسلسل را می‌پذیرم یا وقتی می‌گفتند این رو هم می‌پذیرم که موجودات وابسته به غیر هستند این ضرب‌المثل به ذهنم متبادر شد «هر خدا را می‌خواهد هم خرما را»!

مخلص کلام:

فلسفه جمله‌سازی با اصطلاحات نیست بلکه فلسفه استفاده از اصطلاحات دقیق در محدوده عقلانیت است.

با تشکر از همه دوستان که صبوری کردند و نهایت تشکر رو از کادر مدیریت دارم که مارو لایق دونستند.

یا علی، شبتون خوش 🌹

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لِي الْفِدْجَ